

ORIGINAL ARTICLE

معرفی کتاب *ارجوزة فی الطب*، منسوب به ابن سینا

Introduction of *Orjooze fi al-Teb*, Known to be Written by Avicenna

Ruhollah Shoara¹, Manizheh Abdollahi²

- 1- Traditional Medicine Dept. Medicine School, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
- 2- Persian Dept. Paramedical School, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Correspondence: Rooholla Shoara, Traditional Medicine Dept. Medicine School, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
shoara@sums.ac.ir

Abstract

When cultures collide, through its major activities that emanate from the translation, they can flourish themselves. Intimacy and familiarity of the Islamic World with Greek medical heritage which happened to be in the golden age of the Abbasids in Baghdad, led to the enrichment and prosperity of Islamic medicine. This sort of familiarity and reproductivity grew among Nestorian Christians through their attendance in the court of Caliphs, translation of Greek medical works into Syriac and Arabic and writing some medical works as well. The present study, while introducing Nestorian physicians and their medical effects and valuable services, attempted to explore and analyze historical texts, and also tried to manifest the role of Nestorian minority in the transmission of Greek medicine to Islamic civilization in the Abbasid period which led to the emergence of prominent physicians and in turn the advent of some famous works in this civilization. A glance at the history of medical life shows to what extent the role of Nestorian Christian minority in the Abbasid era is indispensable and decisive in the transmission of Greek medicine to Islamic civilization. *Orjoozat fi al-Teb* is one of the valid poetry collections in the context of Iranian traditional medicine education which has been versified in Arabic language in Hazaj rhythm. Considering various versions of the book, it contains 1330 couplets. There is no exact information about when the book was compiled and who the versifier was. However, the common saying is that Avicenna provided the work as a summary of the book *The Canon of Medicine* to make it available as an educational text. Although the main text has been frequently copied in different eras, the main text remains roughly untouched. In some versions, poem and verse introductions and some chapters and categories have been added. This study discusses saying *Orjooze* (in Persian: *Orjooze Sara*) and its history and investigates poem introduction. It also provides readers a complete text of the book based on one of the valid copies.

Key words: *Orjoozat fi al-Teb*, Medicine Poetry Collections, Canon, Avicenna, Avicenna's poem on medicine

Received: 4 Jan 2015; Accepted: 8 Feb 2015; Online published: 15 Feb 2015

Research on History of Medicine/ 2015 Feb; 4(1): 13-24

روح الله شعرا^۱
منیژه عبدالهی^۲

- ۱- گروه پزشکی سنتی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
- ۲- بخش فارسی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: روح الله شعرا، گروه پزشکی سنتی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

shoara@sums.ac.ir



خلاصه مقاله

کتاب «ارجوزة فی الطب» یکی از منظومه های معتبر در زمینه ی آموزش پزشکی سنتی ایرانی است که به زبان عربی در بحر هزج سروده شده و با توجه به اختلاف نسخه ها، حدود ۱۳۷۰ بیت را شامل می شود. در منابع از زمان تدوین کتاب و سراینده ی آن اطلاع دقیقی در دست نیست، اما قول مشهور آن است که این اثر را ابن سینا به عنوان خلاصه ی از کتاب «قانون در طب» و به منظور در دسترس قرار دادن آن به عنوان متنی آموزشی، فراهم آورده است. متن اصلی کتاب با آن که در دوره های مختلف مرتباً از این کتاب نسخه برداری شده است، تقریباً دست نخورده باقی مانده است. با این حال در برخی نسخه ها مقدمه منظوم و منثور و نیز برخی عنوان بندی ها و دسته بندی ها افزوده شده است. در نوشتار حاضر ضمن بحث درباره ی صنعت ارجوزه سرایی و تاریخچه ی آن، مقدمه ی منظوم بررسی می شود و متن کامل آن بر اساس یکی از نسخه های معتبر در اختیار خوانندگان قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: ارجوزه فی الطب، منظومه های پزشکی، قانون، ابوعلی سینا

مقدمه

ادبیات تعلیمی از گسترده ترین و پر دامنه ترین انواع ادبی در جهان به شمار می آید، و در اساس حاصل اندیشه ورزی ذهنی پویا در حوزه ای معین از تفکر بشری است که در قالب اثری نوشتاری به نظم یا نثر ارائه شده است. به همین جهت گفته شده است: «اصطلاح ادبیات تعلیمی یا ارشادی (Didactic Literature) به شاخه ای از ادبیات اطلاق می شود که ارشاد و تعلیم جنبه های مختلفی چون اخلاقیات، مسایل و انتقادات اجتماعی و سیاسی، و آموزش فنون و حرفه گوناگون را در برمی گیرد. بنابراین می توان گفت اصولاً هر کلامی که در آن آموزشی خاص نهفته باشد، در این حوزه قابل تعریف است.»^۱

بنابراین می توان گفت در ادبیات تعلیمی تعلیم دهنده مایل است به ساده ترین و آسان ترین روش آموزش، دست یابد و قصد و هدف اصلی نویسنده آشکارا تعلیم فن یا حرفه یا مطلبی خاص است. بدیهی است در این صورت یکی از آسان ترین راه ها برای یاد گرفتن و به خاطر سپردن، بهره مندی از وزن و آهنگ یا در واقع استفاده از کلام منظوم است. به عبارت دیگر کلام منظوم با توجه به سهولت حفظ کردن مطلب، و نیز جذابیت و دلنشین بودن و قابلیت انس و تکرار، از دیرباز مورد توجه دانشمندان و معلمان بوده است و شاید به همین دلیل است که متون دینی کهن و کتاب های آسمانی هم خالی از نظم آوایی نیست. به دیگر سخن کهن ترین آثار تعلیمی که در سپیده دم تاریخ بشر پدید آمده است از گفتارهای شفاهی جادوگران و رهبران قبایل اولیه تا کاهنان عرب پیش از اسلام گرفته تا متن های دینی مدون کهن هم چون گاتاها ی زرتشت، از کلام آهنگین و بیان موزون برای تأثیر نهادن بر مخاطبان به خوبی بهره مند شده اند. گذشته از آثاری که جنبه های اخلاقی و دینی آن ها بارز است، کهن ترین نوشته های صرفاً تعلیمی که به آموزش فن یا حرفه ای خاص پرداخته اند نیز به همین نسبت از کلام آهنگین بهره مند شده اند و در سنت ادبی فارسی و عربی بدین گونه «ارجوزه» ها خلق شدند.

۱- مختصری درباره ی ارجوزه سرایی

از نظر اصطلاح ادبی، ارجوزه شعری است که به بحر «رجز» سروده شده باشد. از نظر وزن عروضی، پایه ی بجز رجز به «مستعلن» (چهار هجا که دو هجای نخست و دوم و هجای چهارم بلند و هجای سوم کوتاه است) نهاده شده است و بسته به آن که در هر بیت چند بار مستعلن به کار رفته باشد، نام گذاری می شود؛ چنان که در لغت نامه ی دهخدا آمده است: «رجز» یکی از بحرهای نوزده گانه



شعری است که بر اساس اینکه وزن «مستفعلن» در هر بیت آن چهار، شش و یا هشت بار تکرار شده باشد، «رجز مربع»، «رجز مسدس» و «رجز مثنی» نامیده می شود. حال اگر وزن «مستفعلن» در آن تغییر نکند آن را «سالم» و در غیر این صورت نام خاصی دیگری خواهد داشت. (لغتنامه دهخدا: رجز)

آهنگ و طنین بحر رجز، به ویژه با زبان و لغات عربی بسیار همساز و همخوان است. به همین جهت طبیعت آن به نثر عربی بسیار نزدیک است از آسانترین وزنهای شعر عربی به حساب می آید تا آن حد که گفته شده نثر مسجع موزون به مرور ایام تبدیل به رجز شده است. سادگی و روانی رجز سبب شد تا بعضی از نقادان قدیم عرب از جمله ابوالعلائی معری آن را «أخفص طبقه من الشعر» یعنی پستترین درجهی شعری بشمارند.² از زاویه ای دیگر طبیعت ساده و روان در بحر رجز موجب شده است تا هرگونه کلام منظوم که هدف آن ارتباط با گروههای وسیع تر مردم باشد به این وزن سروده شود چنان که بنا به نظر «البکری» بیشترین کاربرد رجز در سرایش اشعار حماسی، تعلیمی و حکمی است.³ به عنوان نمونه ارجوزه سرایی حماسی که به معنای بر زبان آوردن سخنان آهنگین مهیج در بحر رجز برای ستایش زور و قدرت پهلوان در پهنه ی جنگ است، در زبان عربی سابقه ای دیرینه دارد و نشانه هایی در دست است که به دوران پیش از اسلام باز می گردد. و این سنت یعنی رجز خوانی در میدان جنگ تا دوران بعد از اسلام و تا زمانی که هماوردطلبی و نبردهای تن به تن لازمه ی جنگ های بوده، ادامه یافت. از معروف ترین این نمونه ها ارجوزه ای منسوب به حضرت ابوالفضل العباس است که به طور عمده در بحر رجز مسدس مقطوع سروده شده است:

و لله ان قطعتموا یمینی انی احامی ابدأ عن دینی

نخستین کسی که به طور رسمی نامش به عنوان ارجوزه سرا ثبت شده است، «عبدالله بن رؤبه تمیمی» معروف به «العجاج» (وفات ۹۰ هجری) است که پیش از اسلام متولد شده بود و سپس اسلام آورد.⁴ در دوران اسلامی و در زمان پیامبر «اغلب عجلی» نخستین کسی بود که بحر رجز را در قالب شعری طولانی به صورت قصیده در آورد⁵ و به عبارت دیگر آن را به عنوان وزن مناسب برای قالب های شعری عرضه کرد. دامنه ی تأثیر این وزن کاملاً عربی به عرصه ی ادب پارسی نیز کشانده شد، چنان که فارسی گویانی که گاه از سر تفنن فضاها ی عربی را در شعر خود ترسیم کرده و به رسم شاعران عرب در کوچ معشوق شعر سروده، و بر ریع و اطلال و رسوم (یعنی آثار بازمانده یا ویرانه هایی که بعد از کوچ قبیله ی معشوق به جامانده) مویه سر داده اند، از همین قالب بحر رجز عربی بهره مند شده اند. چنان که امیر معزی در بحر رجز سالم مثنی (هشت با مستفعلن در یک بیت) قصیده ای سروده با مطلع:

ای ساریان منزل مکن جز در دیار یار من
تا یک زمان زاری کنم بر ریع و اطلال و دمن

و سعدی نیز غزلی معروف را به همین وزن در آورده است با مطلع:

ای ساریان آهسته رو کارام جانم می رود
و آن دل که با خود داشتم با دلستانم می رود

۲- ارجوزه های تعلیمی

گفته می شود در میان سایر تمدن ها نیز آثار تعلیمی جهان که در زمینه ی آموزش

2- Moosavi Garmaroodi, 2008: 163-192.

3- Albakri, 1363H: 20.

4- Ibid: 19.

5- Moosavi Garmaroodi, 2008: 163-192.



علم یا فن و حرفه‌ای خاص پدید آمده‌اند، بهره‌مندی از کلام آهنگین سابقه دارد چنان‌که در یونان باستان ابناذقلس (۴۹۰-۴۳۰ ق.م) آموزش‌های پزشکی و قواعد حکمت طبیعی و ویرژیل (۷۰-۱۹ ق.م) قواعد کشاورزی را به نظم در آورده بوده‌اند.⁶ این روش چنان‌که پیش از این آمد در میان دانشمندان مسلمان محبوبیت یافت به همین جهت در زبان عربی، در دوران پس از اسلام منظومه‌های تعلیمی یا ارجوزه‌های فراوانی تصنیف شده است و محققان شمار آن‌ها را تا ۱۳۵۲ اثر ذکر کرده‌اند. موضوع این ارجوزه‌ها بسیار گسترده است و از صرف و نحو و علوم ادبی (معانی و بیان و بدیع) تا فقه و اصول و علم حدیث و تاریخ و جغرافی و نجوم و علم البحر (دریاشناسی) و منطق و کلام و فلسفه و علوم قرآنی (تجوید، قرائت) تا آموزش صحافی و تعبیر رؤیا را دربرمی‌گیرد. از این میان اولین ارجوزه تعلیمی را به «خالد بن یزید بن معاویه» (وفات ۹۰ ه. ق) در علم کیمیا نسبت می‌دهند که ۲۳۱۵ بیت دارد و قدیمی‌ترین ارجوزه در علم پزشکی را متعلق به «محمد بن عبد ربه» می‌دانند⁷ که تنها نسخه در دسترس آن در کتابخانه مجلس تهران وجود دارد.⁸

به مرور زمان منظومه‌های تعلیمی در تمام عرصه‌های علوم گسترده شد و کم کم رسم بر آن قرار گرفت که هر منظومه در مجموعه‌ای هزار بیتی جمع آید که در اصطلاح به آن‌ها «الفیه» (هزاره) گفته می‌شد. در این میان الفیه ابن مالک، مشهورترین الفیه ایست که بوسیله شیخ جمال الدین محمد بن مالک سروده شده است و چند تن آن را شرح کرده‌اند.

سایر الفیه‌های معروف به این قرارند:

۱. الفیه ابن معطی، سروده یحیی بن عبدالمعطی متوفی به سال ۶۲۸ ه. ق. در فن نحو. شروحنی نیز دارد.
 ۲. الفیه عبدالرحیم بن حسین عراقی متوفی به سال ۸۰۶ ه. ق. در اصول حدیث.
 ۳. الفیه شیخ ابن الوردی در فن تعبیر.
 ۴. الفیه قباقیبی در فن معانی و بیان.
 ۵. الفیه حافظ سیوطی در فنون نحو و تصریف و خط.
 ۶. الفیه ابن البرماوی در علم فقه.
 ۷. الفیه ابن شحنه حلبی در فرائض.
 ۸. الفیه ابوبکر اریلی که دارای هزار لغز است (لغت‌نامه‌ی دهخدا، ذیل: الفیه).
 ۹. الفیه داوود انطاکی در علم طب.⁹
- ارجوزه سربابی در علم طب بواسطه وجود جزئیات فراوان و ضرورت حفظ و ارتباط دائم با این جزئیات، تاریخچه طولانی دارد. در یادداشت ۱ به چند ارجوزه مشهور اشاره شده است.

بحث و بررسی

۱- مشخصات ارجوزه فی الطب

«ارجوزه فی الطب» یا «الفیه طبیه» یا «ارجوزه سینائی» یا «الأرجوزه الطبیة» یا «ارجوزه الکبری» مشهورترین منظومه در علم طب سنتی ایرانی و به زبان عربی است.¹⁰ این منظومه در میان آثار منظوم طبی که در دسترس هستند، از نظر شمول بر کلیات علم طب و الفبای این دانش ارجمند در صدر قرار دارد؛ اگرچه بلندترین آنها متعلق به ابن طفیل (ت ۵۸۱ ه. ق-۱۱۸۵ م) با ۷۷۰۰ بیت است.¹¹ تعداد ابیات ارجوزه فی الطب در نسخه خطی کتابخانه ملک حدوداً ۱۳۷۰ بیت، در نسخه چاپ الجزایز ۱۳۲۶ بیت، در نسخه چاپ حلب ۱۳۳۷ بیت و در نسخه چاپ قطر به انضمام شرح ابن رشد، ۱۳۱۰ بیت را شامل است. اختلاف ابیات در نسخه‌های مختلف بجز چند بیت، ناشی از مقدمه و مؤخره کتاب است (متن کامل مؤخره در یادداشت ۲ آمده است). هم‌چنین ارجوزه فی الطب در بسیاری

6- Amin, 2010.

7- Razoogh, 1369: 207-226; Razoogh, 1371: 136-144; Razoogh, 1372: 144-159.

8- Sajjadi, 1370H: 187.

9- Mohammad, 1423H: 91.

10- Mohaghegh, 1994: 30.

11- Ibid: 93.



از نسخه‌ها با مقدمه‌ای منثور که با شیوه‌ای مصنوع و متکلف نگاشته شده، آغاز می‌شود.

از زمان دقیق تدوین این اثر سندی در دست نیست اما با توجه به مقدمه و شیوه‌ی عبارت‌پردازی آن می‌توان گفت که این اثر مسلماً پس از ظهور اسلام پدید آمده است.¹² و با توجه به اولین شرح نگاشته شده بر این ارجوزه که به وسیله‌ی ابن رشد (وفات: ۵۹۵ ه.ق.) خلق شده است، تاریخ تدوین آن از قرن ششم فراتر نمی‌رود.¹³ از نظر اوزان عروضی، ابیات این ارجوزه از دو بحر رجز سالم مسدس (مُسْتَفْعَلُنْ مُسْتَفْعَلُنْ مُسْتَفْعَلُنْ) و رجز مقطوع مسدس (مُسْتَفْعَلُنْ مُسْتَفْعَلُنْ مَفْعُولُنْ) خارج نیست که با آن که بحر اول در دومین هجای ماقبل آخر، یک هجا بیشتر دارد، از نظر اختیارات شاعری کاربرد هر دو در یک منظومه مجاز است. به بیان دیگر خالق «ارجوزه فی الطب» که این دو وزن را بدون هیچ ترتیب خاصی به کار گرفته است، از محدوده وزن خارج نشده است.

۲- هدف از تألیف ارجوزه فی الطب

پدیدآورنده‌ی ارجوزه در مقدمه‌ی کتاب به طور صریح هدف خود را از تدوین این مجموعه بیان کرده است:

« و چون من سرزمین فارس را خالی از مباحثات درسی رایج در مدارس و بیمارستانها می‌بینم و نیز افراد کم اطلاع از قوانین و هنر پزشکی که حتی تجربه و استعداد این حرفه را هم ندارند، به خود اجازه طبابت می‌دهند و این کم سوادان کم کم استاد و صاحب نظر در این رشته شده اند، بنا بر روش پیشینیان و دانشمندان، با نگارش این ارجوزه به خدمت سرور وزیرمان، بزرگ فقها و قاضی بلند مرتبه که خدا عمرش را دراز کند، شتافتم که ... [این کتاب] در راه یادگیری دانش بزرگ [پزشکی] تو را یاری خواهد کرد ... و با آن می‌توانی [پزشکان] ماهر را از فرومایه و تازه کار را از کهنه کار و راستگو را از یاوه گو جداسازی.»¹⁴ پس این کتاب با دو هدف نگاشته شده است: یکی تعلیم پزشکی به یکی از بزرگان که به نظر می‌رسد وزیر و قاضی هم بوده است و دیگر کمک به وی برای شناخت اطباء کم دانش از دانشمند و قضاوت درباره صحت اعمال ایشان و احتمالاً اجازه طبابت به آنها.

۳- ارزش علمی ارجوزه

نگارنده ارجوزه فی الطب در مقدمه منثور آن، خطاب به کسی که ارجوزه را به او تقدیم کرده چنین نوشته است:

«این ارجوزه به شکلی جامع و با تقسیمی جدید تمام دانش پزشکی را شامل است و برای تو لباسی از کمال و زیوری از جمال است، با توجه به دسته بندی آسان و وزنی ساده، بسیار آسان و با اندک سختی به دست می‌آید و اگر آن را با اندیشه بنگری و در گنجینه دانشت بیاوری، در راه یادگیری دانش بزرگ [پزشکی] تو را یاری خواهد کرد و تو را بسیار اندک به زحمت خواهد انداخت...»¹⁵ وی در مقدمه منظوم نیز می‌فرماید:

و هذه ارجوزة قد اکتمل فیها جمیع الطب علما و عمل¹⁶

و پس از اتمام بخش نظری می‌آورد:

و اذ نظمت فی الکتاب العلم فی الطب ما سمعته من نظم¹⁷

و در انتهای آن می‌نگارد:

12- Avicenna, 1984:89-91.

13- Ibid: 79.

14- Ibid: 89.

15- Ibid.

16- Ibid: 91.

17- Ibid: 152.

وقد فرغت من جميع العمل فالآن اقطع بقول مكمل¹⁸

چنان که از فحوای عبارت‌ها و بیت‌های ذکر شده برمی‌آید، پدیدآورنده‌ی ارجوزة فی الطب به خوبی از ارزش آن باخبر بوده است. شاهد دیگر مبنی بر اهمیت ارجوزة فی الطب آن است که نگارنده‌ی آن، دانشمندی معروف در آن دوره را که وزیر هم بوده است به وسیله آن تعلیم کرده است، آن هم در حدی که بتواند سره را از ناسره تشخیص دهد.

از منظری دیگر کتاب ارجوزة فی الطب از سوی دانشمندان و بزرگان نیز ستوده شده است چنان که دانشمندی هم چون ابن رشد، فیلسوف و پزشک بزرگ آندلسی در قرن ششم، با آن که مقدمه‌ی کتاب را در اختیار نداشته، و تنها با توجه به متن کتاب، در ابتدای شرح خود نوشته است: «... ارجوزة منسوب به ابن سینا در طب ... بر همه کلیات دانش پزشکی احاطه دارد و از بسیاری از مداخل تألیف شده در طب (کتاب آموزشی اولیه) برتر است و علاوه بر آن به طور منحصر به فرد به صورت نظم است که هم کار را برای حفظ آن آسان کرده است و هم دل‌های خوانندگان را شاد و سرحال می‌کند.»¹⁹

همچنین ابن نفیس (۶۰۷-۶۸۷) که بر قانون ابن سینا شرح نوشته و نیز آن را خلاصه کرده، در شرحی که بر این کتاب نوشته، آورده است که ابن زهر که [حتی] به قانون ابن سینا وقعی نمی‌نهاد، بی‌پروا اعلام می‌نمود که اصول و مبانی علمی موجود در «ارجوزة فی الطب» ارزش آن را از یک کتابخانه کامل بیشتر می‌کند.²⁰

۴- درباره‌ی متن ارجوزة فی الطب

کتاب ارجوزة فی الطب گذشته از بهره‌مندی از محتوای مناسب، از جهات مختلف به ویژه منسوب بودن به دانشمندی نامدار هم چون ابن سینا و نیز نگارش آن به صورت نظمی روان و استادانه و مختصر، به سرعت در میان دانشمندان پزشک نفوذ یافت و در دنیای قدیم گسترش یافت. به همین جهت نسخه‌های متعددی از آن در بسیاری از کتابخانه‌ها و مراکز علمی جهان موجود است (به یادداشت ۳ مراجعه شود). از میان نسخه‌های قابل دسترس قدیمی‌ترین نسخه مربوط به قرن هشتم و کتابخانه‌ی الازهر به شماره ۳۲۲۱۲۴ است و کامل‌ترین نسخه مربوط به قرن نهم و کتابخانه‌ی ملی ملک به شماره ۵۱۹۹ است.

نکته قابل توجه آن که باوجود نسخه‌برداری‌های مکرر از متن اصلی (ایبات بعد از مقدمه منظوم) ارجوزة فی الطب، ایبات آن تقریباً بدون تغییر یا با اختلافات بسیار جزئی ثبت شده است. هم‌چنین در بیش‌تر نسخه‌ها عنوان‌های مناسب با دسته‌های مرتبط با آن عنوان، دسته‌بندی شده است (شروح، ترجمه‌ها و چاپ‌های این کتاب در یادداشت ۴ ذکر شده است). دکتر نجم آبادی در «تاریخ طب در ایران پس از اسلام» در توضیح چاپ الجزایر معتقد است که این عنوان‌ها و دسته‌بندی‌ها اثر پدیدآورنده‌ی ارجوزة نیست بلکه اثر مترجمان آن است²¹ اینکه در چاپ الجزایر عنوان‌بندی‌ها تصحیح و تکمیل شده اند امری واضح است اما این عنوان‌ها و دسته‌بندی‌ها در نسخه‌های مربوط به قرن هشتم و نهم که قبل از نسخه‌ی الجزایر استنساخ شده‌اند نیز وجود دارند که نشان از قدیمی بودن عنوان‌بندی در کتاب ارجوزة فی الطب دارد. با این حال دلایلی وجود دارد که نگارنده ارجوزة، حداقل در هنگام سرودن ایبات آن‌ها را پشت سرهم و بدون دسته‌بندی سروده است. به عنوان مثال پس از عناوین تشخیص بیماری‌های گرم و تشخیص بیماری‌های سرد در ذیل عنوان «الأستدلال علی سوء المزاج الرطب و الیابس» (تشخیص بیماری‌های مربوط به مزاج مرطوب و مزاج خشک) که در همه نسخه‌های در دسترس وجود دارد، این بیت آمده است:

18- Ibid: 194.

19- Ebne roshd, 1417H: 1.

20- Avicenna, 1963: 9.

21- Najmabadi, 1996: 554.



لَنْ يَخْلُوا مِنْ أَحَدِ الْأَمْرَيْنِ
أَوْ كَانَ لَيْسَ فَتَرَاهُ رَهْلًا²²

وَإِنَّ هَذَيْنِ مِنَ السُّقْمَيْنِ
إِنْ كَانَ يَبْسَا فَتَرَاهُ نَحْلًا

22- Avicenna, 1984: 181.

23- Ebne Roshd, 1411 H: 251.

24- Ibid: 167.

ابن رشد در شرح این ابیات چنین می نگارد:

«نگارنده می فرماید بیماری‌های منسوب به حرارت و برودت خالی از یکی از دو حال نیست؛ یا با هر یک خشکی است که با لاغری بدن همراه است و یا با هر یک رطوبت است که با نرمی [بدن] استدلال می شود.»²³

استفاده از کلمه «هذین» با هدف اشاره به نزدیک، از دو جهت با عنوان ذکر شده (یعنی: الأستدلال علی سوء المزاج الرطب و اليابس) هم‌خوانی ندارد: نخست آن‌که این عنوان، کلمه «هذین» را از مبحث مورد اشاره آن بسیار دور می کند و دوم اینکه خواننده کلمه هذین را با دو مورد مذکور در عنوان اشتباه می کند. مشابه این مورد را در مورد کلمه «هذه» که در بیت ۱۱۷۶ چاپ حلب به کار رفته نیز صدق می کند.

از طرفی دیگر برخی مباحث کتاب بدون عنوان و به طور مستقیم ذکر شده‌اند؛ به عنوان نمونه «ذکر قوی الاوائل من الادوية المفردة» قبل از بیت ۱۰۴۳ چاپ حلب و «ذکر امزجة الأسطقسات» قبل از بیت ۳۹ چاپ حلب و نیز برخی دیگر از عنوان‌ها در جای خود نیستند؛ هم‌چون عبارت «ذکر ما یبرد...» قبل از بیت ۱۰۴۵ که یک بیت دیرتر ذکر شده است. هم‌چنین برخی عنوان‌ها اشتباه ذکر شده‌اند؛ به عنوان نمونه ابن رشد درباره «ذکر الدلیل علی ما ینقصی به البحران» می‌فرماید: «منظور از این فصل آگاهی از علامات دال بر شکل رویداد بحران است»²⁴ در حالی که عبارت «ما ینقصی» به آن‌چه که بحران به آن می‌انجامد، تعبیر می‌شود. با این حال این عنوان‌ها در بیش‌تر موارد مفید و مناسب موضوع هستند و حتی اگر مستقیماً به وسیله‌ی مؤلف در آغاز مباحث کتاب درج نشده باشند و نتیجه‌ی تصرف کاتبان باشند، در نوع خود ارزشمند هستند و نمی‌توان سودمندی آن‌ها را برای آموختن مفاهیم موجود در ابیات ارجوزه به تازه کاران، نادیده گرفت.

۵- محتوا و شیوه‌ی تدوین ارجوزه

توالی و اتصال خارق‌العاده‌ی ابیات در «ارجوزه فی الطب» نیز که علی‌رغم تعدد ابیات، بدون عنوان قابل‌تقسیم بندی و تعقیب قابل‌فهم مفاهیم است، قابل توجه و تحسین است. هم‌چنین دسته‌بندی‌ها و ترتیب و تدوین باب‌ها در این کتاب کاملاً منطقی و متناسب است و چنان‌که خالق «ارجوزه فی الطب» خود در مقدمه اشاره می‌نماید، دسته‌بندی‌ها در این کتاب جدید و منحصر به فرد است. ترتیب کتاب چنین است که نگارنده پس از سرودن مقدمه‌ای درباره‌ی انسانشناسی و اخلاق، دانش طب را به دو بخش نظری (تئوری) و عملی تقسیم می‌نماید. سپس بخش نظری را به امور طبیعی (شناخت بدن انسان در حالت سلامت)، امور ضروری (شناخت عوامل خارجی ضروری برای سلامتی) و امور غیر طبیعی (شناخت بدن بیمار و عوامل بیماریزا) تقسیم می‌نماید. در گام بعدی بخش عملی را نیز به دو زیرمجموعه درمان با غذا و دارو و نیز درمان جراحی تقسیم می‌کند. هرکدام از این مجموعه‌ها مجدداً در چند مرحله تقسیم می‌شوند تا جایی که کتاب به بیش از ۲۰۰ زیرشاخه تقسیم شده و هر موضوع، به صورت مستقل ذکر شده، از دیگر موضوعات جدا می‌شود.

۶- گفت‌وگویی درباره‌ی مقدمه‌ی منظوم ارجوزه فی الطب

برخی از نسخه‌ها از جمله نسخه‌ای که ابن رشد بر آن شرح نوشته است و نسخه کتابخانه‌الزهر فاقد مقدمه‌ی منظوم و نیز مقدمه‌ی مثنوی است و با این بیت، مستقیماً وارد بحث علمی و فنی می‌شود:



الطب حفظ صحه برء مرض من سبب فى البدن منذ عرض

گفت و گو در باره‌ی ادله اثبات مقدمه منظوم که در بسیاری از نسخ با مقدمه منثور همراه است، مجالى خاص می‌طلبد که امید می‌رود در آینده به صورت مفصل‌تر به آن پرداخته شود. با این حال در بیانی کلی می‌توان گفت دلایلی در دست است که صحت مقدمه‌ی منظوم را که در بسیاری از نسخه‌ها با مقدمه‌ی منثور همراه است، اثبات می‌نماید؛ از جمله‌ی این دلایل می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱. عدم یاد و ثنای پروردگار و رسول اکرم در آغاز کتاب انتساب این کتاب، با توجه به ارائه دانش پزشکی به شکلی دقیق و علمی به زبان عربی به دوران جاهلیت بسیار بعید است، چرا که افراد باسواد در آن دوران بسیار اندک و دانش پزشکی در میان اعراب جاهلی ابتدایی و اندک بوده است و علوم یونانی نیز به سرزمین‌های عرب زبان منتقل نشده بود.²⁵ همچنین چنان که پیش از این ذکر شد، ارجوزه‌سرایی به صورت منظومه‌ای مدون پیرامون یک موضوع علمی، در میان اعراب پیش از اسلام سابقه نداشته است. به بیان دیگر تولد ارجوزه‌سرایی با تولد اسلام همزمان بوده است. از سوی دیگر کمتر کتابی را در دوران پس از اسلام می‌توان یافت که بدون یاد و ثنای پروردگار شروع شده باشد و نیز از رسول اکرم نیز در اغلب کتب طب نامی برده شده است. به همین جهت بعید است چنین سراینده‌ی چیره دستی نام و ثنای خدا و رسولش (که بخشی از کتاب است) را به نظم نیاورده باشد و به ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم» بسنده نموده باشد. هم‌چنین اگر به این امر قایل باشیم که پدیده‌آورنده‌ی ارجوزه ابن سیناست، لازم می‌آید که ساختار این اثر نیز با سایر آثار وی هماهنگ باشد. از جهت موضوع مورد بحث یعنی نگارش مقدمه، مراجعه به سایر آثار ابن سینا نشان می‌دهد که بیت نخستین تمام ارجوزه‌های وی با دعا و حمد پروردگار و استعانت از وی آغاز می‌شود:

ارجوزه فی المجریات:

بدأت بسم الله فى نظم الحسن اذكر ما جربت فى طول الزمن²⁶

ارجوزه فى الشریح:

الحمد لله المعل العلل و خالق الخلق القديم الأزلی²⁷

ارجوزه فى فصول أربعة:

يقول راجى عفوه ابن سینا و لم یزل بالله مستعینا²⁸

در قیاس با این نمونه‌ها، لازم می‌آید که «ارجوزه فی الطب» که از تمام ارجوزه‌های منسوب به ابن سینا مفصل‌تر و منسجم‌تر است، از مقدمه‌ای متناسب، بهره‌مند باشد.

۲. وجود مقدمه در بخش عملی کتاب

با مراجعه به بخش عملی کتاب مشاهده می‌کنیم که نگارنده مقدمه‌ای به شرح زیر سروده است که در کلیه نسخه‌ها وجود دارد و با مقدمه منظوم موجود، هماهنگ است:

و اذ نظمت فى کتاب العلم فى الطب ما سمعته من نظم

25- Najmabadi, 1996: 193.

26- Ibid: 555.

27- Ibid.

28- Najmabadi, 1996: 553.



حال که آن چه را که از دانش پزشکی شنیده بودم در کتاب علم به نظم در آوردم

و کان أن أنظمه فی أملی فها أنا مبتدأ بالعمل²⁹

و منظوم کردن آن را همیشه آرزو داشتم، اینک بخش عملی را آغاز می‌کنم
اگر بخشی از یک متن با مقدمه آغاز شده باشد، پس بعید به نظر می‌رسد که
سراینده بر کل کتاب مقدمه نوشته باشد.

۷- متن مقدمه‌ی منظوم ارجوزة فی الطب

بر اساس آنچه ذکر شد، مطالعه و بررسی مقدمه منظوم ارجوزة فی الطب که
در برخی نسخه‌ها ذکر نشده و در برخی دیگر، به دلایلی هم چون دشواری ادراک
مفاهیم بلند آن یا به دلیل وجود مفاهیمی به جز علوم پزشکی، به صورت ناقص
ذکر شده، برای دست‌یابی به مفاهیم کتاب کارساز است. از این رو این بخش
از کتاب بر اساس نسخه‌ی کتابخانه ملک به شماره ۵۱۹۹ مربوط به قرن نهم که
کاملترین نسخه است ثبت می‌شود:

رَبِّ السَّمَوَاتِ الْعَلِيِّ الْمَاجِدِ	الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَلِكِ الْوَاحِدِ
مُخْرِجِ مَوْجُودَاتِنَا مِنْ عَدَمٍ	سُبْحَانَهُ مُنْفَرِدًا بِالْقَدَمِ
عَلَى النَّبِيِّ الصَّادِقِ الْمَقَالَةِ	و صَلَوَاتُ اللَّهِ ذِي الْجَلَالَةِ
فَأَنْقَذَ النَّاسَ مِنَ الضَّلَالَةِ	مُحَمَّدٌ حَبَاهُ بِالرُّسَالَةِ
حَتَّى بَدَأَ الْخَفِيُّ مِنْ مَعْقُولِنَا	مُفِيضُ نُورِهِ عَلَى عُقُولِنَا
ذَاتِ حَيَاةٍ وَ شُهُودٍ صَادِقَةٍ	وَ اعْتَلَقَ الْعَقْلُ بِنَفْسِ نَاطِقَةٍ
كَمَا يَرَى الْخَفِيُّ بِالْقِيَاسِ	يُوحِي إِلَيْهِ الْعِلْمُ بِالْإِحْسَاسِ
فَكَمَلَتْ حِكْمَتُهُ الْبَدِيعَةَ	وَ اعْتَلَقَ الْجَمِيعُ بِالطَّبِيعَةِ
وَ الْحَسَّ وَ الْحَيَاةَ السَّوِيَّةَ	وَ قَسَمَ الْعَقْلُ عَلَى الْبَرِيَّةِ
مَنْ نَزَّهُ النَّفْسَ عَنِ الرَّذِيلَةِ	فَفَازَ عِنْدَ ذَاكَ بِالْفَضِيلَةِ
بِالْحَقِّ ذِي الْبُرْهَانِ مِنْ مَسْمُوعٍ	مُطَرِّقًا لِعَقْلِهِ الْمَطْبُوعِ
اتَّصَلَتْ بِالْبَدْرِ أَوْ بِالشَّمْسِ	فَكَانَ مِثْلَ نُورِ عَيْنِ الْحَسِّ
وَ لَمْ يَكُنْ فِي رَأْيِهِ مُرِيْبًا	فَأَدْرَكَ الْبَعِيدَ وَ الْقَرِيبَا
وَ يَظْهَرُ الصِّدْقُ عَلَى حَدِيثِهِ	طَيِّبُهُ يَمْتَّازُ عَنِ خَبِيثِهِ
وَ يُؤَثِّرُ الْأُخْرَى عَلَى دُنْيَاهِ	وَ يَغْلِبُ الْعَقْلَ عَلَى هَوَاهِ
وَ حُجَّجَ مُبَيِّنَةً قَوَاطِعِ	فَيَبْهَجُ الْحَقُّ بِنُورِ سَاطِعِ
وَ الْفَضْلِ وَ الْإِكْرَامِ وَ الْإِجْلَالِ	فَهُوَ الَّذِي حَلِيَّتُهُ الْكَمَالِ
وَ ضَمَّهُ لِلْأَدَبِ الْمَكْتَسَبِ	أَخَذَهُ عَنِ خَيْرِ جَدِّ وَ أَبِ
يَرِثُهُ عَنِ سَلْفٍ بَعْدَ سَلْفِ	حَتَّى اسْتِفَادَهُ بَعْلَمَ وَ شَرَفِ
فَحَقُّهُ أَبْقَاءُهُ عَلَيْهِ	وَ صَارَ مِنْ بَعْدِهِمَا إِلَيْهِ
قَصَّرَتْ لَوْ اطْنَبَتْ فِي امْتِدَاحِهِ	فَتَى إِذَا اشْرَعَتْ فِي امْتِدَاحِهِ



هذا وقد رزقتُ رزقاً حسناً
فضائل قد اوجبت اسباباً
قامت لمن تعجزه بعذرٍ
لا عجب إن استحال عدها
فأننى جمعتها تجميلاً
لأنها منشورة معلومة
كيما ترى مخلداً فى الكتبِ
هأنأ ذاكراً لكم أعيانها
عقل له ألبس من وقاره
و يلزمُ الرهبةَ والمهابة
فرقةً و أدب و ظرفُ
و ورعٌ فى دينه الوثيقِ
ينذر فى سياسةٍ و لطفِ
مد بساط العدل للخصوم
فكلُّ مظلومٍ فحقُّ نصره
حتى رعى بعدل هذا الراعى
يحكم ذاك كله عن علم
له مروءة حباها الله
يلزم فيها الصبر و العفافا
و الجودَ و الحياءَ و النباهة
فكلُّ الآ الله فى مناه
وهأنأ منقطع إليه
حتى اكون عالقاً بحبله
أكرم فى مجلسه و أنسطُ
أحسب فى عداد من يختص به
و لى إليه أيما وسيلة
فى صنعة اليدين و اللسانِ
فأشرف الناس إذا أحسنهم
و الشعراءُ أمراء اللسن
لأنهم قد شغلوا بالذاتِ
هذا يسر النفس بالفصاحة

إذا نظمتُ حكمةً و لسنأ
كشرتُها فى النظم أو إطناباً
فأنها كالرمل أو كالقَطْر
و وصفها و رسمها و حدُّها
أذ لم تكن احصيتها تفصيلاً
و الفضل أن أعيدها منظومة
مايستديرُ فلكتُ فى القُطْبِ
فاستمعوا تحصلوا بيانها
ما يزجر الضدَّ من احتقاره
فنوب فى حساده منابه
يضوع فى الملاء منها العرفُ
يزينه بالعدل و التحقيقِ
أحكامه باللين أو بالعنفِ
فقهَر الظالم للمظلوم
و كل جبار فحقُّ قهره
الكبشُ و الذيابُ فى المراعى
الى براعة به و فهمِ
و زانه منها بما جباهُ
فى كرم و الشكر و الإنصافا
حتى استبان ماله و جاهه
حتى كأن المال من عده
إذ كانت الأمور فى يديه
و.....
أدل فى تكليمه و أنصتُ
و.....
يشفع عند الفضل بالفضيلة
الفصل بين الحجر و الإنسانِ
صنعاً و فى مقالهِ السنُّهم
كما الأطباءُ ملوكُ البدنِ
يعطونها الأكيذ من لذاتِ
و ذا يطبُّ الجسمُ بالنصاحة



وهذه أرجوزة قد اكتمل
فيها جميع الطبّ علماً و عمل
وها أنا مبتدئ بنظم
مشور ما حفظته من علم

نتیجه گیری

در نگاهی کلی و در قیاس با سایر ارجوزه‌ها، برتری کتاب ارجوزه فی الطب آشکارا به چشم می‌آید. از جمله جلوه‌های نیک این کتاب سهولت بیان که به فهم آسان می‌انجامد، دسته بندی منطقی و مطلوب و احاطه به جمیع کلیات طب سنتی است که حفظ و یادگیری این مبادی برای فراگیران بسیار ضروری است. از سوی دیگر فهم این کلیات که در حقیقت الفبای طب سنتی هستند، مشکل و محتاج تکرار است و نظم روان و دلنشین ارجوزه از این نظر بسیار یاری‌دهنده است و فراگیران را از ملالت تکرار به منظور حفظ کردن، رهایی می‌دهد. هم‌چنین برای مطالعه کتاب‌های مشروح طبی که از ملزومات آموزش این دانش است کتاب ارجوزه می‌تواند به عنوان سنگ بنایی مستحکم و ماندگار باشد و حتا خستگی مطالعه آن‌ها را نیز از خاطر به در کند. البته چنانکه خالقی «ارجوزه فی الطب» نیز در مقدمه کتاب آورده است این اثر یک کتاب کمک درسی است و به تنهایی برای یادگیری طب کافی نیست. افزون بر آن از سودمندی‌های جنبی این منظومه می‌توان این مورد را برشمرد که از جهت غنای واژگانی و نیز بهره‌مندی از زبان صحیح و فصیح عربی، این منظومه با دربرداشتن اغلب واژه‌ها و نیز قواعد عربی مورد نیاز هر فراگیر طب سنتی، آمادگی لازم برای مطالعه کتاب‌های دیگر را فراهم می‌آورد.

References

- Abdollahi M. [*Yeksoonegari dar Adabiat Talimi*]. *Pazhouheshname Adabiat Talimi*. 2011; 4(2). [In Persian]
- Albakri A. [*Alarajiz al-tebbiah*]. *Al-Mowred*. 1363H; 49. [In Arabic]
- Amin H. [*Darsname haye Manzoom Teb Mokamel va sonati-e Iran*]. *Ettelaat Magazine*. 2010; 34346. [In Persian]
- Avicenna. [*men Moallemat-e Ebn-e Sina Al-tebbiah*]. Corrected by: Mohammad Zahir. Halab: Jamea Halab; 1984. [In Arabic]
- Avicenna. *Avicenna's Poem on Medicine Haven*. Corrected by: Krueger C, Ralph H. Major. Springfield: Thomas; 1963.
- Ebn-e Roshd, Mohammad ib-e Ahmad. [*Sharh-e Ebne Roshd le Orjooze Ebn-e Sina*]. Corrected by: Ammar Jamei Talebi. Doha: Ghatat university. 1417H. [In Arabic]
- Mohaghegh M. [*Daneshname dar Elm-e Pezeshki*] (Introduction). Tehran: Tehran university Publication; 1994. [In Persian]
- Mohammad, Mahmood Al-Haj Ghasem. [*Alvasayel Al-taalimieh fi Dearsate Al-teb End Al-Arab va Al-moslemoon*]. *Majalle Almajma Elmi eraghi*. 1423H. [In Arabic]
- Moosavi Garmaroodi M. [*Orjooze dar Fazayele Amir-al-Momenin*]. *Safine magazine*. 2008; 13.
- Najmabadi M. [*Tarikh-e teb dar Iran Pas az Zohour-e Eslam*]. Tehran: Tehran university Publication; 1996. [In Persian]
- Nasr S H. [*Sonat-e Aghlani islami Iran*]. Tehran: Ghasidesara; 2006. [In Persian]
- Razoogh F. [*Alshoara Altaalimiyoona va Almanzoomat Altalimiah*].



Al-Mowred. 1369H. [In Arabic]

Razoogh F. [*Alshoara Altaalimiyyoon va Almanzoomat Altalimiah*].

Al-Mowred. 1371H. [In Arabic]

Razoogh F. [*Alshoara Altaalimiyyoon va Almanzoomat Altalimiah*].

Al-Mowred. 1372H. [In Arabic]

Sajjadi S. [*Daerat Al-Maaref-e Bozorg-e Eslami*]. Tehran: Markaz-e Daerat Al-Maaref-e Bozorg-e Eslami; 1370H. [In Persian]

